

بسیارگام تجربیات ماندگار ۴

شماره چهارم - پاییز ۱۳۹۴ - تجربیات ماندگار هیأت



موضوع محوری در برنامه های هیأت

«هیأت انصار ولایت یزد»

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین مهدی مهدوی نژاد



یک تجربه مانا
تجربیات ماندگار هیأت
شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۴
موضوع محوری در برنامه‌های هیأت،
گفتاری از حجت‌الاسلام مهدی مهدوی‌نژاد مدیر هیأت انصار ولایت یزد
چهارمین همایش ۶۰۰ هیأت محوری و برگزیده کشور
قم-جمکران - مجتمع یاوران مهدی (عج)، اسفندماه سال ۱۳۹۳
تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
صفحه‌آرا: حسن ناصری
طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



هیأت انصار ولایت دارالعباده یزد
نشانی: یزد، میدان معلم، بلوار ۲۲ بهمن، کوچه ۹،
دفتر فرهنگی هیأت انصار ولایت دارالعباده یزد
سامانه پیامک: ۳۰۰۰ ۸۵۰۰
تلفن: ۰۹۱۰۳۰۹۱۰۰۶
پایگاه اطلاع رسانی: www.darozzeqr.com



جامعه ایمانی مشعر
نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰
کدپستی: ۳۷۱۵۱ - ۳۷۱۶۶
تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱
سامانه پیامک: ۳۰۰۰ ۱۵۴۲
پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org
رایانامه: info@1542.org

بسم در بیان

مقدمه

انتخاب شعار و موضوع محوری برای هیأت، امری است که می‌تواند به فعالیت‌های هیأت جهت دهد و آنها را هم سو کند. این کار در هیأت انصار ولایت یزد عمق خوبی یافته است. حجت الاسلام مهدوی نژاد مسئول محترم این هیأت تجربیات و دستاوردهای خودشان را در بحث موضوع محوری، در چهارمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده ارائه کردند. در این هیأت موضوعی که پس از کارشناسی انتخاب می‌شود نه تنها محور پوستر و تبلیغات شهری قرار می‌گیرد، بلکه در جایگاه، فضا سازی مجلس، سخنرانی، روضه، مداحی، مهد کودک و حتی محصولات فرهنگی هم محور و مرکز قرار می‌گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.
اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنا بِنُورِ الْفَهْمِ. أَلَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَاكِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم.

خدا را شکر می‌کنم که توفیق شد در این لحظات به محضر دوستان عزیز عرض ادبی کنم و پیشاپیش عذرخواه هم هستم، ان شاء الله که در این لحظات وقت دوستان ضایع نشود. ما یکی از مجموعه‌هایی هستیم که در استان یزد داریم کار می‌کنیم، دوستانی هم هستند که بسیار بیشتر و بهتر از ما در حال فعالیت هستند ولیکن امر فرمودند که بعضی از کارهایی که در مجموعه هیأت انصار ولایت یزد در حال انجام است به‌خصوص تمرکز بر شعار محوری یا بهتر عرض کنم موضوع محوری در هیأت نکاتی را خدمتان عرض کنم.

ضرورت کار تشکیلاتی در هیأت

ابتدائاً درباره ضرورت کار تشکیلاتی که همه حفظ هستند و عقلاً و نقلاً مطالب مختلفی گفته شده نکاتی عرض کنم. کارکرد یک هیأت اگر حداقلی دیده بشود، در حدّ یک مجلسی که به پا شود و حتّی یک تعداد اندکی هم در آن باشند قداستش سر جای خودش باقی است و ممکن است که این مجالس به واسطه محبت اهل بیت (علیهم السلام) که مباحث مربوط به امور معنوی و نیت و ... می باشد در عرش و بین اهل سماوات بدرخشد و این مطلب کاملاً مستحکم سر جای خودش باقی است. اما اگر یک هیأتی بخواهد کارکرد حداکثری داشته باشد قاعدتاً باید دارای تشکیلات و برنامه ریزی باشد و هدفمند حرکت کند. اعتقاد ما این است که هیأت مثل یک چشمه است، یک چشمه جاری. چشمه وقتی جاری می شود در مسیر خودش زمینه رویش ها را فراهم می کند یا به تعبیر دیگر هیأت مانند شیر خالص است، از شیر خالص فرآورده های مختلفی اخذ می شود. بعضی این شیر را یک نفس سر می کشند، بعضی از این شیر استفاده های دیگر هم می کنند و فرآورده های دیگری هم از آن می گیرند. هیأت یک ظرفیتی است که می شود کارهای فرهنگی متعددی از او اخذ کرد، یعنی بستر فعالیت های متعددی را می شود از هیأت فراهم کرد. همه تیپ انسانی در هیأت می آیند، نخبگان در هیأت می آیند، آدم های عادی می آیند، حرفه ای ها می آیند، غیر حرفه ای ها می آیند، از همه این استعدادها می شود فرآورده های مختلف فرهنگی ایجاد کرد، لذا با هیأت به عنوان یک مرکزی که می شود با آن کل جامعه را اداره کرد می شود برخورد کرد و مواجه شد.

یک نمونه اش حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) هست که از ظرفیت این هیأت های مذهبی، انقلاب اسلامی خلق کرد و هنوز هم که هنوز است شما می بینید از ظرفیت اهالی هیأت یعنی اهالی روضه، اهالی اهل بیت، اهالی این خیمه گاه حتی علوم ما هم دارد جوشش پیدا می کند. سرمایه های اصلی نظام جمهوری اسلامی از همین سرچشمه جاری شده، لذا ما هم با همین نگاه در مجموعه ورود کردیم و بعد ظرفیت های مختلفی در آن مجموعه دیده شد، فعالیت های قرآنی از این بستر رویش پیدا کرد، فعالیت هایی در حوزه کودک و هم چنین فعالیت هایی در حوزه هنر و رسانه و هم چنین بحث آثار مکتوب از این بخش های کار بود، فعالیت های تخصصی اردویی یک بخشی از این ها بود و ده ها کار ریز و درشت دیگری در مجموعه کلید خورد.



هدفمند کردن برنامه‌های هیأت

ما سعی کرده‌ایم مراسم هیأت را طبق نیاز هدفمند کنیم، مثلاً برای جلسات هفتگی یک اهداف و برنامه‌هایی تعریف کرده‌ایم، برای جلسات عمومی که بعضاً جمعیت‌های بالای ۲۰۰۰ نفر هم مثلاً ممکن است داشته باشد تعریف و اهداف خاصی داریم، یک سری جلسات هم ویژه خدام خود هیأت هست که تعاریف خاصی دارد و برنامه‌ریزی شده‌است، برای این که همه سطوح و لایه‌ها بتوانند بهره خودشان را از مجموعه هیأت ببرند. کمیته محتوایی در هیأت شکل گرفته که سخنرانی‌هایی که انجام می‌شود و مداحی‌هایی که اتفاق می‌افتد بر اساس اصول و ضوابطی اتفاق بیفتد، آسیب‌شناسی‌هایی صورت می‌گیرد و بر اساس آن آسیب‌شناسی‌ها موضوعاتی اخذ می‌شود و اولویت‌ها مشخص می‌شود که الآن مثلاً در دارالعباده یزد در سال ۱۳۹۳ در مثلاً اسفندماه در ایام فاطمیه چه موضوعی برای سخنرانی‌ها اولویت دارد. طبیعتاً حوزه‌هایش بررسی می‌شود مسائل آن با دوستان در این کمیته گفتگو می‌شود بعد موضوع نهایی انتخاب می‌شود و این موضوع می‌شود محور در حوزه‌های مختلف تأثیرگذاری که وجود دارد.

موضوع محوری در برنامه‌های هیأت

من چون وقتم گذشته فرصت ندارم فعالیت‌های هیأت را توضیح بدهم لذا روی بحث موضوع محوری متمرکز می‌شوم. شعارهایی که مشعر برای مناسبت‌های مختلف معرفی می‌کند و یا قبل از آن‌هم که مشعر این مسئله خیلی مهم را عملیاتی بکند دوستان ما به چنین مسئله‌ای رسیده بودند و این کار را انجام می‌دادند، به این صورت که بعد از تعیین اولویت‌ها یک موضوع انتخاب می‌شود، مثلاً فرض بگیرید که همان موضوع «**هیئات منّا الذّله**» محترم. این موضوع «**هیئات منّا الذّله**» توسط تیم محتوایی ما روی آن کار می‌شود، اگر شعار دیگری باید خلق بشود یک شعر یا تکبیتی انتخاب می‌شود، بعد در تبلیغات شهری این «**هیئات منّا الذّله**» مطرح می‌شود، طرح‌هایی که جایگاه در آن قرار می‌گیرد یا در جایگاه زده می‌شود با گرایش با این معنا طراحی می‌شود، شعارنویسی‌ها و پارچه‌نویسی‌هایی که اطراف مجلس نوشته می‌شود با گرایش به این شعار و به این مفهوم انتخاب می‌شود، موضوع سخنرانی بر اساس همین انتخاب می‌شود، یعنی مثلاً اگر عزّت و ذلّت موضوع سخنرانی است ده شب ذیل بحث «**هیئات منّا الذّله**» بحث برای سخنرانی تهیّه می‌شود، حتّی روضه‌هایی که خوانده می‌شود از یک زاویه‌ای با گرایش به مسئله عزّت و ذلّت خوانده می‌شود، وقتی وارد فضای مدّاحی و سینه‌زنی می‌شویم مدّاح اشعاری را در مناسبت‌های مختلف از مدّاحی‌اش انتخاب کرده، حالا نه به این صورت که در همه بخش‌هایش باشد، ممکن است در ابتدای مدّاحی‌اش باشد، ممکن است در شور باشد، ممکن است در واحد باشد. یک شعری انتخاب می‌کند که مفاهیمی از شعار موردنظر در آن باشد، منتهی هرکدامش با رنگی متفاوت و طعمی متفاوت که خسته‌کننده هم نباشد. یک‌چیزی را دوستان در هیأت طراحی کرده‌اند تحت عنوان رَجَز در سینه‌زنی، ابتدای سینه‌زنی رَجَز خوانده می‌شود، رَجَز همان چیزی است که وقتی میدان می‌رفتند برای معرفی خودشان می‌خواندند. این رَجَز همان جایگاه را دارد یعنی ابتدای سینه‌زنی به جای زمینه و هر ذکری این رَجَز خوانده می‌شود، در آن رَجَز این مفهوم آنجا باز می‌شود، خیلی هم کوتاه است، یک‌بند هم بیشتر نیست، همه یاد می‌گیرند و می‌خوانند. این مفهوم نهادینه می‌شود و باز ممکن است که این موضوع در مفاهیم متنوّع و مانای دیگری در مجلس دیده شود. بخش کودک یا خیمه‌گاه بچه‌های بهشت که مثلاً ما در هیأت داریم باز با همین رویکرد می‌آید برنامه می‌گذارد. داستان‌ها، آموزش‌ها، مسابقه‌ها و چیزهایی که طراحی می‌شود ذیل همین مفهوم طراحی می‌شود. نمایشگاه محصولات فرهنگی اگر باشد بخشی از آن به این مفهوم اختصاص داده می‌شود. آثار مرتبط با موضوع و ظرفیت‌های دیگری مثل سربند و این‌هایی که آماده می‌کنند با همین شعارها و گرایش‌هاست.

همه این زوایای مختلف، یک اتفاق ایجاد می‌کند که شما اگر یک شعاری را هدفمند انتخاب کردید برای اثرگذاری این شعار روی مخاطب فقط از یک لوگو استفاده نکرده باشید، یک لوگو بزنیم «**هیئات منّا الذّله**» بعد بگوییم ما همه در کل کشور «**هیئات منّا الذّله**» گفتیم، این که محقق نمی‌شود. شعار باید حتماً به عملیات منتهی بشود.



گره زدن ارزش‌ها با زندگی روزمره

بعد من یک نکته‌ای اینجا عرض می‌کنم خدمت سروران خودم که البته درس دارم پس می‌دهم. امروز در دنیا شما ببینید چه کار می‌کنند؟ در دنیا وقتی می‌خواهند یک مفهوم ضد ارزشی را باب کنند می‌آیند مثلاً روی لباس نقش آن را می‌زنند، روی جلد دفتر می‌زنند، بعد ترانه‌اش را می‌خوانند، بعد انیمیشن آن تولید می‌شود، همین‌طور در بستر زندگی ما از زوایای مختلف روی یک مفهوم کار می‌شود، بعد شما می‌بینید ناخودآگاه فرزند شما نوع لباسش عوض شد، گویشش عوض شد، گرایش‌هایش عوض شد، چون جزء روزمره زندگی‌اش شده بوده و شما غافل بوده‌اید که از همین روزمره‌ای که دارید برایش تأمین می‌کنید دارید به او آسیب می‌زنید. مفاهیم ضد ارزشی در روزمره‌ترین نیازهای زندگی‌اش به دست او رسیده است. این کار را زین‌العابدین علیه السلام ۱۴۰۰ سال پیش انجام داده‌اند و خیلی قشنگ‌تر و عمیق‌تر و مانا‌تر. چطور؟ مفهوم مهم و بلندی مانند امام حسین علیه السلام و مصائب کربلا را نه اینکه روی لیوان آب نقش زده باشند بدهند دست مردم، بلکه روی خود آب نقش زدند، یعنی هر وقت حضرت آب می‌بینند گریه می‌کنند و یاد می‌کنند از امام حسین علیه السلام دارند از آن سیستم ذهنی فرد استفاده می‌کنند و در قالب تداعی روی آب می‌نویسند حسین علیه السلام. وقتی مثلاً بچه شیرخواره را می‌بینند اشک می‌ریزند، شما با دیدن بچه شیرخواره یاد علی‌اصغر امام حسین علیه السلام می‌افتید.

اصلاً حضرت به ابزار و اشیاء خیلی عمیق‌تر ورود کردند، روی ماهیت اشیاء کار کردند، یعنی روی آب نوشتند حسین علیه السلام، روی ۶ ماهه نوشتند علی‌اصغر علیه السلام و روضه‌های دیگر. این را امام زین‌العابدین علیه السلام به ما یاد دادند که اگر شما می‌خواهید یک مفهومی ماندگار بشود آن مفهوم را با زندگی روزمره مردم گره بزنید. همه آب می‌خورند، همه غذا می‌خورند، همه بچه دارند و همه می‌بینند، شما اگر می‌خواهید یک مفهومی را ماندگار کنید اینکه لوگو کنیم اینجا بزنیم این کفایت نمی‌کند، باید از زوایای مختلف کار کنید. یکی در مجلس شما می‌آید باید شعار شما را در شهر دیده باشد، وقتی می‌آید نوع دیگرش را در دکور ببیند، نوع دیگر آن را در نوشته‌ها ببیند، نوع دیگر آن را در سخنرانی‌ها بشنود، نوع دیگر آن را در مداحی‌ها سینه بزند و انواع و اقسام دیگر آن را؛

اگر موفق بشویم چنین کاری انجام بدهیم یک مفهوم، ماندگار می‌شود و تأثیر می‌گذارد. همان کاری که دشمن امروز دارد با ما می‌کند، لذا توجه و تمرکز روی شعارها مخصوصاً اگر شعارها واقعاً بر اساس نیاز زمان انتخاب شده باشد تأثیرات عمیق روی مخاطبین خواهد گذاشت و اتفاقی که خواهد افتاد ایجاد گرایش و بینش و نهایتاً عکس‌العمل و عملیات در افراد می‌کند. این سیر می‌تواند با الگوبرداری از تاریخ صدر اسلام و وجود مبارک زین‌العابدین علیه السلام در دستور کار هیأت عزیز قرار بگیرد.

اهمیت داشتن شعار و شاخص در برنامه‌ها

من خیلی معتقد هستم به شعار و این که شعارها باید در هیأت‌ها احیا بشود. اصلاً هر هیأتی باید شعار شاخص داشته باشد و مثل «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» شعارهایی که اگر از جمهوری اسلامی بگیرید راهش گم می‌شود، بعضی شعارها را اگر بگیرید راه گم می‌شود، شعار راه را نشان می‌دهد، هیأت‌ها باید شعار داشته باشند، شعارهایش از همین مفاهیم عاشورا و اندیشه انقلاب اسلامی و حضرت امام قابل اخذ است. هر هیأتی یک شهید شاخص داشته باشد، مسئله شهید شاخص خیلی مهم است. ببینید وجود نازنین حضرت زهرا علیها السلام در این ایام ۷۵ روز و ۹۵ روز کجا می‌رفتند؟ کنار قبر حمزه سیدالشهدا. چرا کنار قبر حمزه سیدالشهدا می‌رفتند؟ مگر فقط حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیده بود؟ چرا یک شهید را شاخص کردند؟ چرا وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام را دست‌بسته طرف مسجد می‌بردند حضرت و احمز تاه و اجعفر اه گفتند؟ چرا شهید، شاخص کردند؟ شهید شاخص به معنای شخصیتی است که وجود او الآن در این شرایط زمانی گره‌گشاست، یعنی با بررسی شخصیت این شهید راه پیدا می‌شود، گره‌ها باز می‌شود. یک الگویی که الآن مورد نیاز است، مثلاً ما در هیأت خودمان یک شهیدی را شاخص کردیم، شهید علی اصغر شایان (شایق) که شادی روحشان هم صلوات ختم کنید؛

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه



از طلبه‌های خوب یزد، ۱۹ - ۲۰ سال هم ایشان بیشتر سن نداشتند. سال ۸۵ در حادثه تروریستی شهر کوفه به شهادت رسید، بعد زندگی ایشان را هم دوستان زحمت کشیدند به صورت فلش کارت آماده کردند، خاطرات زندگی ایشان را در اختیار دوستان هیأت گذاشتیم. شهیدی که امروز داشت زندگی می‌کرد، در عصر ماهواره، در عصر اینترنت، در عصر فساد و فحشا. چون گاهی بچه‌ها می‌گفتند چرا شهید فلانی؟! ما هم اگر مثلاً خمپاره می‌خورد این طرفمان بچه خوبی می‌شدیم. به بچه‌ها می‌گفتیم نه این طور نیست، در همین عصر و در همین دورانی که فتنه‌ها و فسادها و آلودگی‌ها هست ما همچنین شخصیت‌هایی داشتیم، کنار ما هم زندگی می‌کردند و با ما سینه می‌زدند، لذا شهیدشاخص هم خیلی کمک می‌کند. به عنوان یک الگو در یک هیأت می‌تواند خیلی اثرگذار باشد.

من حرف‌های دیگر هم در این زمینه داشتم منتهی فرصتم تمام شد اگر موقعیت دیگری بود و توفیق شد خدمت دوستان عرض خواهم کرد. از اینکه مطالب ناقص بود و از این که وقت دوستان و سروران خودم را گرفتم عذرخواهی می‌کنم. برای خوشنودی قلب مطهر آقا امام زمان (عج) و این که حضرت دعا کنند برای همه ما که عاقبت به خیر باشیم، مخلص باشیم، تقوا داشته باشیم و ان شاء الله توفیق داشته باشیم در رکایشان هم سربازی بکنیم و آخر سر هم به دستان مبارک خودشان جام شهادت را بنوشیم و در بهشت مهمان صدیقه طاهره (عج) باشیم صلواتی ختم بفرمایید.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

قرار نیست همه کارها را از ابتدا تجربه کنیم. این خیلی بدیهی است که ما به جای اختراع دوبارهٔ چرخ از این تجربه استفاده کنیم و به فکر اختراعاتی مکمل باشیم. همین اصل استفاده از تجربه‌ها آدم‌ها را به سمت مکتوب کردن آن‌ها برده است. کاوش همین تجربه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها و تفکر دربارهٔ قواعد علت و معلولی نتیجه‌اش شده بسیاری از علومی که امروز با آن‌ها سروکار داریم.

«یک تجربه مانا» بناست تجربه‌های هیأت‌ها و مجموعه‌های مختلف را با دیگران به اشتراک بگذارد. تجربه‌هایی که به نظر می‌رسد قابل استفاده و بهره‌برداری کسانی است که در موقعیت مشابه قرار دارند. استفاده از این تجربه‌ها می‌تواند مسیر رسیدن به اهداف مختلف فرهنگی را کوتاه‌تر و فرصت‌های جدیدی برای توسعهٔ فعالیت‌های موفق هیأتی ایجاد کند.



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org